

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۲۶

کبير عبادی

هر آن که نوک بینی اش را سیاه کند، آهنگر نمی شود!



کبير عبادی

هنرمندان واقعی و دلچک های بازاری در عرصه های مختلف فعالیت می کنند؛ اما میان این دو، از نظر استعداد، دانش، مهارت، خلاقیت و میزان تأثیرگذاری بر جامعه، تفاوت های اساسی وجود دارد.

۱. دانش، تخصص و تجربه

هنرمندان واقعی معمولاً از دانش، تجربه و مهارت های گسترده ای در عرصه هنر برخوردارند. آنان در رشته هایی چون نقاشی، موسیقی، نمایشنامه نویسی، هنر تمثیل در تئاتر و سینما، و فیلم سازی تخصص دارند و با تکیه بر توانایی های هنری و تکنیکی خود، آثاری ارزشمند و ماندگار خلق می کنند. همین عمق دانش، مهارت و تجربه است که به آثارشان اعتبار و جایگاه ویژه می بخشد.

۲. خلاقیت و قدرت تأثیرگذاری

هنرمند واقعی توانایی آن را دارد که احساسات، اندیشه ها و دیدگاه های خود را از طریق هنر بیان کند. او می تواند ایده های تازه ای را در جامعه مطرح سازد، افکار عمومی را به چالش بکشد و از این طریق بر احساسات و اندیشه های مردم تأثیر بگذارد.

آثار هنری اصیل معمولاً فراتر از سرگرمی می روند؛ با مخاطب ارتباطی عمیق برقرار می کنند، احساسات گوناگونی را برمی انگیزند و زمینه تفکر، تأمل و آگاهی را فراهم می سازند.

اما در مقابل، دلچک های بازاری بیشتر به دنبال جلب توجه و سرگرم کردن مخاطبان هستند. ویژگی های عمده این گروه را می توان چنین برشمرد:

۱. سرگرمی به جای هنر متعهد

هدف اصلی این افراد، در بسیاری از موارد، خنداندن مردم، جلب توجه و کسب شهرت است. آنان اغلب با تکیه بر حرکات سطحی، شوخی های تکراری و شیوه های عامه پسند می کوشند مخاطبان را سرگرم کنند.

۲. سطحی نگری در اجرا

عملکرد این افراد گاهی به سرگرمی های زودگذر محدود می شود و از نظر محتوای فکری، عمق هنری و تأثیرگذاری فرهنگی، حرف چندانی برای گفتن ندارد. البته سرگرم کردن مردم نیز می تواند بخشی از هنر باشد؛ مشکل از جایی آغاز می شود که ابتذال جای خلاقیت، دانش و ارزش های هنری را بگیرد.

۳. کمبود دانش و تخصص هنری

برخی از این افراد، بدون برخورداری از دانش، تجربه و مهارت کافی، خود را در جایگاه هنرمندان بزرگ قرار می دهند و با به کارگیری چند شگرد ساده نمایشی، ادعای هنرمندی می کنند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

متأسفانه، ما در جریان بیست سال جمهوریت در افغانستان، بارها شاهد چنین وضعیت تأسف‌باری بودیم؛ وضعیتی که در آن، مرز میان هنر اصیل و نمایش‌های مبتذل روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شد. با تأسف باید گفت که در طول بیست سال جمهوریت، هنر تمثیل در کشور عزیز ما افغانستان، در بسیاری از موارد، چنان به ابتذال و بازارگرایی کشانده شد که تماشای برخی از آن اجراها نه تنها لذتی نداشت، بلکه احساس انزجار و دل‌زدگی را در انسان برمی‌انگیخت. دردناک‌تر از همه این بود که برخی از این افراد، بدون توجه به عظمت هنر اصیل و هنرمندان واقعی‌ای که در همین سرزمین فعالیت می‌کردند، القاب و عناوین پرطمطراق را بر خود می‌گذاشتند؛ عناوینی که گاهی شنیدن‌شان انسان را به شگفتی وامی‌داشت!

هنرمند واقعی را نه با رنگ‌کردن چهره، نه با لقب‌تراشی و نه با هیاهو و بازارگرایی می‌توان شناخت؛ بلکه هنر واقعی در دانش، استعداد، خلاقیت، تعهد، اصالت و ارزشی نهفته است که هنرمند به جامعه و فرهنگ خود می‌بخشد.

بیا بید میان هنر و ابتذال، میان هنرمند واقعی و مدعی هنرمندی، تفاوت قائل شویم؛ زیرا هر کسی که خود را هنرمند بنامد، الزاماً هنرمند نیست.

هر آن‌که نوک بینی‌اش را سیاه کند، آهنگر نمی‌شود!

با احترام به هنرمندان واقعی و اصیل سرزمینم.